

## ظرفیت‌های جهانی شدن انقلاب اسلامی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب

امین جوادی \*

### چکیده

«جهانی شدن» به معنای بین‌المللی شدن هر امری، با چالش‌های فکری و هویتی‌اش، به دلیل آثار مثبت و منفی در زندگی انسان، دغدغه فکری عصر حاضر است. با توجه به تأکید شارع مقدس اسلام مبنی بر جهانی بودن این دین و با عنایت به پیروزی انقلاب اسلامی ایران در قرن معاصر که تعالیم اسلام علت موجهه و مبقیه آن است، ضرورت طرح انقلاب در تراز بین‌المللی، اهمیتی مضاعف می‌یابد. مقام معظم رهبری، در منظومه فکری و نقشه راه ترسیمی خود که در قالب بیانیه گام دوم انقلاب ابلاغ گردیده است، لازمه جهانی شدن انقلاب اسلامی را استفاده کاربردی از ابزارهای تربیت و قدرت در اخلاق و سیاست، مانند آزادی، معنویت، عدالت، استقلال، عزت و برادری دانسته و رسیدن به امت واحده جهانی به جای دهکده جهانی را در گرو عملی کردن استراتژی‌های اعلانی و اعمالی حداکثری برای ظرفیت‌سازی در تفکر مترقی انقلاب اسلامی می‌دانند. در این پژوهش توصیفی - تحلیلی معلوم می‌شود انقلاب اسلامی به دلیل انطباق مبانی آن با فطرت، انعطاف‌پذیری، متعادل بودن دستاوردها و عقلانیت، ظرفیت جهانی شدن دارد.

**کلیدواژه‌ها:** جهانی‌شدن، انقلاب اسلامی، ظرفیت، بیانیه گام دوم انقلاب.

## مقدمه

جهانی شدن یک جریان واقعی تاریخی است و منطق کانونی این جریان، نوسازی مبتنی بر علم و صنعت و نوآوری است که از قرن هفدهم آغاز گردیده است. جهانی شدن اگر چه از یک منطق اقتصادی شروع شده؛ اما با گذشت زمان، کلیت نظام اجتماعی اعم از سیاسی و فرهنگی را درگیر نموده است. آنچه اهمیت دارد، تعریف نوع تعامل با چنین جریان جهانی است، به‌ویژه جوامع دینی از جمله جمهوری اسلامی ایران که با نظام ارزشی خاص اداره می‌شود و درصد آن است که در سایه چنین نظامی که مولود انقلاب اسلامی است، این انقلاب را در تراز جهانی مطرح نموده و آن را به عنوان الگوی موفق و کارآمد برخاسته از آموزه‌های الهی سیاسی اسلام ناب محمدی ﷺ، بین‌المللی نماید.

با داعیه جامعیت دین اسلام در میان مسلمانان که امروزه انقلاب اسلامی درصدد جامعه عمل پوشاندن به این ادعاست و با توجه به قابلیت‌های درون فرهنگی این دین در بستر انفورماتیک و رسانه، می‌توان از این فرصت رسانه‌ای با برد بلند، برای برتری و تحقق ایده‌های جهانی خود سود جست.

انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی‌اش را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خودش نهاد که علی‌رغم گمان‌های باطل دشمنان، دوستانش در سراسر جهان و خصوصاً در قالب جبهه مقاومت اسلامی، به پیشرفت‌های خیره‌کننده حاصل از تلاش جوانان مومن انقلابی امیدوارند. در چنین مقطع حساسی از تاریخ انقلاب اسلامی، رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ و همزمان با پایان چهله اول انقلاب، با صدور بیانیه گام دوم انقلاب، به تبیین دستاوردهای چهار سال گذشته پرداخته و برای تعیین تکلیف برای انجام وظیفه و ایفای نقش جهادی برای ساختن ایران اسلامی بزرگ در چهله دوم انقلاب ارائه طریق فرموده‌اند. این بیانیه در واقع تجدید مطلعی است خطاب به ملت بزرگ ایران، به‌ویژه نسل فرهیخته جوان که به عنوان منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، فصل جدیدی از حیات طیبه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را رقم خواهد زد.

با عنایت به بحران‌های اخلاقی و معنوی مدرنیته و ناکارآمدی طرح‌های دنیاگرایانه آن، شرایط مستعدی برای جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران برخاسته از آموزه‌های مترقی دین

مبین اسلام فراهم آمده است که اسلام‌هراسی‌های غرب در دهه‌های اخیر نویددهنده این حقیقت است. این‌که انقلاب اسلامی چه ظرفیت‌هایی برای پوشش دادن این مهم دارد، خود مسئله‌ای است که این مقاله درصدد حل آن است.

## سؤال اصلی

سؤال اصلی این است که انقلاب اسلامی ایران، چه ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌هایی را برای جهانی شدن در آینه بیانیه گام دوم انقلاب دارا است؟

این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی، درصدد پاسخ به سؤال اصلی مقاله و نیز تبیین آن قسمت از محتوای بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه است که مربوط به ظرفیت جهانی شدن انقلاب اسلامی و شعارهای آن و ظهور و بروز آن در تراز بین‌المللی است، لذا ابتدا به تعریف و سپس تبیین چهارچوب، مزایا و معایب جهانی شدن می‌پردازیم و سپس به بیان ظرفیت‌های جهانی شدن انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

## مفهوم‌شناسی جهانی شدن

«جهانی‌شدن» معادل کلمه انگلیسی Globalization به معنای شمول‌گرایی و فراگیر شدن امری در سطح جهان و به معنای بین‌المللی شدن، جهان‌گستری، فرا قلمروگرایی و تعبیری از این دست تعریف شده است. البته این اصطلاح نباید با جهانی‌سازی یعنی Globalizm مترادف گرفته شود.

کاربرد اصطلاح جهانی شدن به دو کتابی برمی‌گردد که در سال ۱۹۷۰ منتشر شده است. کتاب اول تألیف «مارشال ماک لوهان» با عنوان «جنگ و صلح در دهکده جهانی» و کتاب دوم نوشته «برژینسکی» مسئول سابق شورای امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان با عنوان «ما بین دو دوره: نقش آمریکا در دوره تکنترونیک» می‌باشد (علی عبدالحمید عادل، ۱۳۷۹).

«جهانی‌شدن»، پدیده‌ای نوظهور و پیچیده است که به دلیل ابعاد نامکشوف و گسترده آن و ماهیت ساختارشکنانه‌ای که دارد، هنوز ماهیت و کارکردهای همه‌جانبه‌اش آشکار نگشته و از این‌رو، تعاریف و برداشت‌های گوناگون و حتی متضادی از آن ارائه شده است.

«مارتین آلبرو»، جهانی‌شدن را فرآیندهایی تعریف می‌کند که موجب می‌شوند تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم بپیوندند (مارک ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۷).

«دیوید هلد»، چهار ویژگی اصلی جهانی شدن را این طور مطرح می‌کند:

الف) افزایش جریان‌ها و شبکه‌های ارتباطی؛ ب) نفوذپذیری متقابل؛ ج) گسترش روابط اجتماعی ملت‌ها، د) رشد ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی (نکوئی سامانی، ۱۳۸۷: ۴).

«مک گرو»، از صاحب‌نظران در موضوع جهانی شدن، در تعریف و توصیف این پدیده می‌گوید: جهانی شدن به معنای افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی است که فراتر از دولت‌ها شکل می‌گیرد و در نتیجه آن، قدرت دولت‌ها کاهش می‌یابد و هویت‌های مبتنی بر سرزمین، تاریخ و قومیت، ماهیتی متفاوت می‌یابند (دیوید هلد و آنتونی مک گرو، ۱۳۸۲: ۱۲۴-۹۶).

امانوئل والراشتاین در تعریف «جهانی شدن» می‌نویسد: «جهانی شدن، فرآیند شکل‌گیری شبکه‌هایی است که طی آن اجتماعاتی که پیش از این در کره خاکی دور افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی، ادغام می‌شوند» (امانوئل والراشتاین، ۱۳۷۷: ۲۷۸).

طبق تعریف دیگری: «جهانی شدن، فرآیندی است که در نتیجه آن، محدودیت‌های جغرافیایی و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی، متحول و برچیده می‌شوند و به تشدید آگاهی عمومی منجر می‌شود» (واترز، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۰).

دیوید هاروی، جهانی شدن را مرحله‌ای شدید از فشرده‌گی زمان و مکان می‌داند که دارای تأثیر گیج‌کننده و مخربی بر رویه‌های سیاسی اقتصادی، توازن قدرت طبقاتی و نیز بر زندگی فرهنگی و اجتماعی است (نکوئی سامانی، ۱۳۸۷: ۳).

امانوئل کاستلز، نویسنده کتاب «جامعه اطلاعاتی»، با اشاره به عصر اطلاعات، جهان‌گرایی را ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را دربر می‌گیرد (امانوئل کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۳۰).

در تعریفی دیگر، «جهانی شدن» به معنای «جهان‌گستری»<sup>۱</sup> آمده است؛ یعنی اشخاص و پدیده‌های فرهنگی در مقایسه با دوران‌های دیگر، بیشتر در تمام مناطق قابل سکونت کره زمین پخش شده‌اند (یان آرت شولت، ۱۳۸۲: ۷).

رابرتسون نیز در تعریف دقیق‌تری می‌گوید: «جهانی‌شدن یا سیاره‌ای شدن جهان، مفهومی است که هم به تراکم جهان، و هم به تشدید آگاهی درباره جهان و هم به وابستگی متقابل و هم تشدید آگاهی از یک‌پارچگی جهان در قرن بیستم اشاره دارد» (نکویی سامانی، ۱۳۸۷: ۳).

جهانی‌شدن به خاطر داشتن چالش‌های فکری و هویتی ناشی از آن، دغدغه فکری زمانه و خصوصاً تاریخ معاصر شده است و آثار و پیامدهایی را در عرصه‌های اصلی حیات انسان اعم از سیاست، اقتصاد و فرهنگ با محورهای مثبت و منفی دارا می‌باشد. دورویه بودن جهانی‌شدن، از سویی ناشی از بُعد فناورانه آن می‌باشد و از سوی دیگر، ریشه در ماهیت ایدئولوژیک آن دارد. جهانی‌شدن با استفاده از فناوری ارتباطی، میان پدیده‌های بومی و جهانی پیوند می‌زند؛ ایده‌ها و هنجارهای بومی را جهان‌گیر می‌سازد و از طریق تعمیم‌سازی فرهنگی و ارزشی، به استحاله و تخریب تمایزها و تفاوت‌های بومی و محلی می‌انجامد. از سوی دیگر، به گفته «دیوید هاردی» (سجادی، ۱۳۸۸)، جهانی‌سازی با فروریختن مرزهای زمانی و مکانی، جوامع بشری را دچار بی‌هویتی و بحران معنا می‌سازد؛ زیرا این پدیده، مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز یعنی زمان و مکان را تحت تأثیر قرار داده، به فشردگی مکان‌ها و تراکم زمان‌ها می‌انجامد.

### پروژه یا پروسه بودن جهانی شدن

در خصوص این‌که آیا پدیده «جهانی شدن» یک پروسه تاریخی است یا پروژه، نظرات مختلفی داده شده است. گفته می‌شود در پروسه، کسی یا چیزی کنترلی بر ایجاد، ابقا، و نظارتی بر اوضاع یک پدیده ندارد و از سرانجام آن نیز بی‌خبر است. در حقیقت، پروسه، سیر طبیعی پدیده، با فراز و نشیب‌های طبیعی است. در حالی‌که پروژه، در دست‌سکانداری است که قصد دارد با بسیج منابع، آن را به مقصدی خاص هدایت نماید. به طور کلی، چند نظریه درباره پروژه یا پروسه بودن جهانی شدن وجود دارد:

۱. به اعتقاد برخی، جهانی شدن یک پروژه است که پیشتر غرب - به‌ویژه آمریکا - برای ادامه تسلط بر جهان طراحی کرده بود که در دهه‌های اخیر، روندی رو به‌شد گرفته است. طرفداران پروژه بودن جهانی شدن، طیف‌های مختلفی را در برمی‌گیرند از جمله: الف) جهانی شدن از آغاز به عنوان یک پروژه متولد شد و تمام آن، از پیش طراحی گردیده است؛

ب) جهانی شدن از درون واقعیت‌های دیگر اجتماعی زاده شده و در واقع بخشی از آن، پیشتر طراحی شده است؛ نه تمام آن (سیدمحمدکاظم سجادی، ۱۳۸۱).

۲. دسته‌ای دیگر، جهانی شدن را یک پروسه می‌بینند و عقیده دارند که این تئوری، یک روند و فرآیند است و محتاج زمان. به اعتقاد این گروه، گرایش‌های مختلف جهانی شدن، از قرن‌ها پیش وجود داشته است و در این‌باره، حتی از جهانی شدن سرمایه در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی سخن می‌گویند. در این دیدگاه، پروسه جهانی شدن، تداوم پروسه‌های کوچک‌تر قبلی است. در میان طرفداران این نظریه، عده‌ای بر این باورند که اگرچه هر پروسه، محصول پروسه قبل است؛ اما یک پروسه جدید است که چندان نمی‌توان برای آن ریشه‌ها و بسترهای دور و دراز یافت. از این‌رو، آن‌ها پروسه جهانی شدن را محصول ریشه‌های سیاسی - اجتماعی دو دهه گذشته می‌دانند (همان).

با توجه به آثار و پیامدهای جهانی‌شدن برای جوامع بشری و با عنایت به وضعیت خاص جوامع اسلامی، چالش‌ها و تعارضات جهانی‌شدن نسبت به جوامع و اندیشه اسلامی خصوصاً ملت‌های شیعه تشدید می‌گردد؛ زیرا چه جهانی‌شدن را به عنوان یک پروسه تاریخی تلقی نماییم یا یک پروژه غربی، در هر دو حالت، در حال حاضر مظلوف این ظرف، ایده‌های لیبرالیسم است و فرهنگ لیبرالیستی، و آموزه‌های لیبرال دموکراسی به عنوان گفتمان مسلط عصر جهانی. این امر به معنای چالش جدی هویت و فرهنگ اسلامی است. به عبارت دیگر، جهانی‌شدن چالش‌های مدرنیته غرب در برابر سنت دینی را از لایه‌های خاص روشنفکری و روشن‌اندیشی بیرون کشیده و در حوزه عام جوامع مطرح نموده و تعامل جوامع اسلامی با پدیده‌های جدید را به دغدغه عمومی مسلمانان و به‌ویژه قشر فرهیخته و جوانان مسلمان تبدیل کرده است. با الهام از ایده «آنتونی گیدنز» (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۸-۵۶) می‌توان گفت: اگر تجدد و مدرنیته، جوامع سنتی را با بحران هویت و تشخیص‌یابی روبه‌رو نمود، جهانی‌شدن این بحران را در سطح عام و گسترده وسیع جوامع سنتی مطرح کرد. حال در مواجهه با دغدغه مطرح شده، اندیشمندان مسلمان چه پاسخی تدارک دیده‌اند؟

بر اساس مبانی نظری انقلاب اسلامی که برگرفته از ثقلین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یعنی قرآن کریم به‌عنوان ثقل اکبر و قول، فعل و تقریر اهل بیت علیهم السلام به‌عنوان ثقل اصغر، و در راستای اندیشه

مهدویت در قرن معاصر به وقوع پیوسته است، ناکامی الگوهای بشری در اداره عادلانه جوامع بشری، زمینه‌های یأس، سرخوردگی و درماندگی انسان معاصر را فراهم کرده و آرمان‌خواهی و عدالت‌جویی او، خود بسترساز پذیرش ایده مهدویت و آرمان انقلاب اسلامی می‌گردد.

### اهداف و ویژگی‌های جهانی شدن

جهانی‌شدن دارای دو رویه «ایدئولوژیک» و «تکنولوژیک» است. از نظر ایدئولوژیک، رابطه جهانی شدن و حکومت جهانی اسلام، رابطه تعارضی، و از نظر تکنولوژیک، عدم تعارض و همراهی است. ناگفته پیداست که بر اساس دو دیدگاه دیگر (ایدئولوژیک‌نگر صرف و تکنولوژیک‌نگر تنها) رابطه مزبور از تعارض کامل تا انطباق و همراهی کامل در نوسان می‌باشد. با تفکیک دو رویه مزبور، استدلال می‌کنیم که جهانی‌شدن به‌ذاته و از نظر ماهوی فرآیندی تاریخی است که بر بنیان توسعه و پیشرفت خیره‌کننده تکنولوژی ارتباطی شکل گرفته است. بنابراین جهانی‌شدن ظرف بی‌مظروفی است که هر جمع و جماعتی می‌تواند مظروف خود را در درون آن به دیگران عرضه نمایند؛ هر چند امروزه حجم بیشتر این ظرف را آموزه‌های لیبرال غربی به خود اختصاص داده است، بنابراین، جوامع اسلامی نیز این فرصت را دارند تا در سایه تفکر دهکده جهانی، گذشته از معایب آن، با استفاده از منطق قوی و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های تعلیم و فرهنگ اسلامی، با تبیین تفکر حکیمانه امت واحد جهانی به جای دهکده جهانی، جوامع تشنه و سرخورده بشری را سیراب سازند؛ اما ظرف انتقال دهنده این مشروب، «جهانی شدن» می‌باشد.

در مورد ماهیت و ویژگی‌های جهانی شدن، اتفاق نظری وجود ندارد. احتمالاً این امر تا حدی طبیعی است؛ زیرا با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که در حال تکوین و «شدن» است و هنوز به «بودن» نرسیده تا توصیف و شرح جامعی از آن ارائه کنیم. عمدتاً سه دیدگاه فکری از سه زاویه مختلف به بررسی این مقوله پرداخته‌اند: نگاه رئالیستی، لیبرالیستی و رادیکال. دو نگاه اول و سوم، جهانی شدن را پدیده‌ای دیرینه و مقوله‌ای قدیمی می‌دانند، در حالی که نگاه لیبرالیستی آن را یک مقوله مستحدثه می‌خواند (سجادی، ۸۵/۱/۳۱ و سجادی‌پور، ۱۳۸۱: ۴۰۶).

صرف‌نظر از تفاوت‌های لفظی و گاه ماهوی در تعریف جهانی شدن، از میان تعاریف گوناگون، می‌توان این نکته را به‌عنوان مخرج مشترک کلیه تعاریف‌ها برگزید که جهانی شدن، چه به‌عنوان یک پروسه یا پروژه، بیانگر وضعیتی است که در درون آن، ارتباطات متقابل، وابستگی متقابل و تأثیرگذاری متقابل به شکل فزاینده‌ای رشد یافته است، به‌گونه‌ای که شعاع اثرگذاری رفتار واحدهای سیاسی از مرزهای ملی عبور کرده، دورترین واحدها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما جهانی شدن با این ویژگی‌ها تا چه اندازه احتمال توفیق دارد؟

این پرسش از نگاه لیبرالیسم پاسخ مثبت دارد؛ زیرا جهانی شدن، جریانی طبیعی است که دیر یا زود، شعاع خود را بر سراسر جهان گسترش خواهد داد. در این تلقی، همراه با جهانی شدن، دنیا شاهد عالم‌گیر شدن دموکراسی لیبرال، تجارت آزاد و اصول اعتقادی لیبرال خواهد بود و دیگر فرهنگ‌ها در برابر موج توفنده این جریان رنگ خواهند باخت.

اما در مقابل، نگرش چپ و دیدگاه انتقادی، جهانی شدن را چهره جدیدی از قدرت امپریالیستی می‌خواند و عمدتاً جنبه پروژه بودن آن را مورد تأکید دارد و معتقد است که جهانی شدن با مقاومت‌هایی مخالف در قالب جنبش‌های کارگری و ائتلاف‌های منطقه‌ای روبه‌رو خواهد گشت.

### دیدگاه اسلام درباره جهانی شدن انقلاب اسلامی

از دیدگاه اسلام، آراء و اندیشه‌های بشری دارای جنبه‌های صوری و گذرا هستند و از پایداری و ماندگاری برخوردار نیستند و در برابر اندیشه‌های دینی رنگ خواهند باخت. با عنایت به وقوع انقلاب اسلامی در ایران با الهام از همان آموزه‌ها و اندیشه دینی، انتظار است مطالب بالا در واقعیت مصداق پیدا کرده و به منصف ظهور برسد؛ زیرا انقلاب اسلامی با توجه به ظرفیت و توانمندی ذاتی و انطباق با فطرت انسانی، از جذبه‌هایی به مراتب بیش از ایده‌های بشری برخوردار است؛ اما تحقق این امر، نیازمند ارائه منطق دینی در قالب قابل قبول و ترسیم چهره واقعی اسلام و به طور کلی شناسایی، کشف، معرفی و به منصف ظهور رساندن ظرفیت‌های انقلاب اسلامی نزد افکار جهانی است. در صورت تحقق این مسئله، جهان در آینده شاهد جهانی شدن اسلام و انقلاب اسلامی به جای لیبرالیسم غرب خواهد بود و این مقاله در پی معرفی ظرفیت جهانی شدن انقلاب اسلامی در قالب بیانیه گام دوم انقلاب تدوین می‌شود.



اسلام می‌خواهد تمام اختلافات و جدایی‌ها را که به نام‌های گوناگون پدید آمده، با عقیده توحید از میان بردارد. اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی، زبانی، همه باید از میان برود و سبب امتیاز و افتخار نباشد، حتی باید اختلافات دینی هم کنار گذاشته شود و همه باید تسلیم فرمان خدا باشند: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...﴾ (آل عمران: ۶۴).

اینک به برخی از آیات و روایات این موضوع و این که «روزی خواهد آمد که دین غالب در روی کره زمین، دین اسلام است» و «پیروزی از آن مستضعفان است» و «صالحان، وارث زمین‌اند» و «در همه جای کره زمین، عدل حاکم خواهد شد» و «همه دین‌ها در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود»، اشاره می‌کنیم:

﴿لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ در زبور داود علیه السلام

نوشته‌ایم که صالحان از بندگان من، وارث زمین خواهند شد (آل عمران: ۶۴).

در تفسیر مجمع‌البیان طبرسی، ذیل این آیه از حضرت امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

و هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان؛ آنان، همان یاران حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان‌اند.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَا يُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَا يَجْعَلَنَّ لَهُمْ أَمْنًا...﴾ (انبیا: ۱۰۵).

در این آیه شریفه، سه وعده صریح به مؤمنان و وارسته و صالح داده شد است:

الف) استخلاف در زمین؛ یعنی، حکومت در کل کره زمین به‌عنوان نمایندگی خدا که دارای حکومت حق و عدالت است.

ب) تمکین دین؛ یعنی، نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه زمین؛

ج) تبدیل خوف به امنیت؛ یعنی برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن

امنیت کامل و آرامش در همه روی زمین.

در تفسیر مجمع‌البیان ذیل این آیه از حضرت امام سجاد علیه السلام روایت شده که فرمودند:

هم والله! شیعتنا اهل البيت يفعل الله ذالك بهم على يدى رجل متا و هو مهدى هذه الامه؛ به خدا

قسم! این گروه، همان پیروان ما هستند که خداوند به وسیله مردی از خاندان ما، این

موضوع را تحقق می‌بخشد و او، مهدی علیه السلام این امت است.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ خداوند، رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا دین حق او، بر همه ادیان، غالب آید؛ هر چند مشرکان به این کار راضی نباشند (نور: ۵۵).

پیامبر اعظم ﷺ در دعای ماه مبارک رمضان می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ؛ اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ؛ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ غُرْبَانٍ؛ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ؛ اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَن كُلِّ مَكْرُوبٍ؛ اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ؛ اللَّهُمَّ فَكِّ كُلِّ أَسِيرٍ...»

در این دعا از خدا می‌خواهد که تمام فقیران جهان به رفاه برسند و تمام گرسنگان جهان سیر شوند و تمام برهنگان جهان لباس بپوشند. پیداست این دین، مطالبات جهانی و بشری دارد و با مطالبات جهانی تفکر مقابل، حتماً اشتقاق تئوریک پیدا می‌کند و پیدا کرده است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۵-۲۳).

طبق روایت، علی ﷺ هنگام تلاوت این آیه، از یاران خود پرسیدند: «آیا این پیروزی حاصل شده است؟» گفتند: آری، فرمودند:

كَلَّا! فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! حَتَّىٰ لَأَيَّتِي قَرِيبَهُ إِنَّا وَ يَأَدِي بِشَهَادَةٍ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بُكْرَةً وَ عَشِيًّا؛ نه! سوگند به کسی که جانم به دست اوست! این پیروزی، آشکار نمی‌شود؛ مگر زمانی که هیچ آبادی روی زمین باقی نماند؛ مگر آن که صبح و شام بانگ لا اله الا الله از آن به گوش رسد (صف: ۹).

حضرت امام باقر ﷺ فرمودند:

إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ ﷺ فَلَا يَبْقَىٰ أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ بِمَحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ؛ این پیروزی به هنگام قیام مهدی ﷺ از آل محمد ﷺ خواهد بود؛ آن چنان که هیچ کس در جهان باقی نمی‌ماند؛ مگر آن که اقرار به رسالت محمد ﷺ خواهد کرد.

از این آیات و روایات به روشنی استفاده می‌شود که:

۱. سرانجام، صالحان‌اند که وارث کل زمین‌اند؛ نه شرق یا غرب، جنوب یا شمال آن؛
۲. افراد شایسته‌ترین پیشینیان در کل کره زمین‌اند و قدرتشان در همه جای عالم ظاهر می‌شود؛

۳. دین اسلام غالب بر همه ادیان، در جای جای کره زمین حاکم خواهد شد؛

۴. همه این‌ها در عصر ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه واقع خواهد شد. نتیجه این‌که حکومت مهدی عجل‌الله‌تعالیه حکومتی جهانی خواهد بود و این حکومت واحد جهانی، جزء وعده‌های الهی است که تخلف ندارد؛ زیرا «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ» (مجمع‌البیان، ذیل آیه ۴، صف).

بنابر این، اعتقاد به تشکیل حکومت واحد جهانی، نشئت‌گرفته از قرآن کریم و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام است که خداوند وعده تحقق آن بر داده است و تخلفی نخواهد داشت.

در استمرار انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در عصر حاضر در ایران و به ثمر نشستن خون‌های پاک و مطهر شهیدان و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی به عنوان یکی از ظرفیت‌های جهانی شدن این تحول بزرگ تاریخ سیاسی معاصر به شمار می‌رود که قصد دارد این انقلاب را در گستره جهانی توسعه دهد.

انقلاب اسلامی ایران انقلابی بود که می‌خواست با به اجرا درآوردن احکام و ارزش‌های اصیل اسلامی در تمام ابعاد حکومتی، دین را در قلب نظام حکومتی نهادینه کند. با ظهور انقلاب اسلامی و تلاشی که برای رساندن پیام انقلاب به گوش تمام ملت‌ها انجام گرفت، این زمینه و آمادگی در برخی ملت‌ها به‌خصوص ملت‌های مسلمان فراهم گردید تا از خواب غفلتی که در آن بودند، بیدار گشته و راه نجات خود از خودبیگانگی و دوگانگی ارزشی که به آن گرفتار بودند را در بازگشت به ارزش‌ها و تعالیم اسلامی بیابند.

از نگاه فقهی، این هدف آرمانی انقلاب اسلامی قابل توجیه است. مراجع معظم تقلید در بحث از شرایط شش‌گانه تکلیف می‌فرمایند، برای مکلف شدن فرد مسلمان، علاوه بر عقل، بلوغ، آزادی و اختیار، در قید حیات بودن مکلف، قدرت و توانایی، اطلاع و آگاهی از حکم اسلام و تکلیف نیز شرط است و صد البته اگر فرد یکی از این شرایط را نداشته باشد، اصلاً مکلف نیست. در توضیح شرط اخیر یعنی اطلاع و آگاهی گفته می‌شود، اگر فرد مسلمان، نسبت به حکم فقهی اسلام جاهل قاصر باشد، قابل مؤاخذه نیست و تکلیف از او ساقط است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پیشرفت‌های خیره‌کننده جمهوری اسلامی ایران این فرصت طلایی را در اختیار قرار داد تا با بهره‌گیری از امکانات روز دنیا از جمله راه‌اندازی شبکه‌های جهانی العالم، الکوثر، خبر، پرس تی‌وی، اسپانیولی و ... حکم اسلام و نیز پیام انقلاب اسلامی ایران را به

اقصى نقاط جهان مخابره کند تا هم حجت شرعی برای همهٔ مردم دنیا تمام شود و نیز پیام انقلاب اسلامی ایران که برگرفته از آموزه‌های اسلام راستین و اصیل است، به گوش جهانیان برسد و با این امر، مطلوب ما که همان جهانی شدن انقلاب اسلامی است، حاصل شده است و این ظرفیت در بُن‌مایه‌های فقهی - سیاسی انقلاب اسلامی وجود دارد که گاهی مغفول واقع می‌شود و باید آن‌ها را معرفی کنیم.

### ظرفیت‌های بارز انقلاب اسلامی ایران برای جهانی شدن

یکی از مهم‌ترین و بارزترین ظرفیت‌های انقلاب اسلامی ایران، «بُعد ایدئولوژی» آن است که با استفاده از آیات و روایات، ویژگی‌هایی ذاتی را در خود ایجاد کرده که باعث استقبال محرومان جهان حتی غیرمسلمانان و باعث رهایی از زیر یوغ استکبار شده است.

سه ویژگی «مظلوم‌یوری»، «استکبارستیزی» و «عدالت‌محوری» نمودهای بارز ظرفیت ایدئولوژی انقلاب اسلامی است که امامین انقلاب اسلامی همواره در بیانات و سیرهٔ عملی خودشان به این سه ویژگی تأکید داشته و دارند و یکی از امتیازات انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با سایر انقلاب‌های جهانی، ویژگی‌های یاد شده را قلمداد می‌کنند. پرواضح است که خواستهٔ دل مستضعفان، محرومان و مظلومان جهان نیز چیزی غیر از سه ویژگی یاد شده نیست و همین امر باعث نفوذ تفکرات انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن در قلب ملت‌های جهان شده است و از آنجایی که این ظرفیت‌ها از یک کشور شیعی که شروع و تداوم و استمرار انقلابش با تمسک به آموزه‌های اسلام ناب محمدی صورت گرفته، خود به خود آنان را به‌عنوان مخاطبین مکتب شیعه نموده است؛ هر چند تأثیر و نمود عینی این تفکر طی یک پروسهٔ زمانی طولانی‌مدت باشد که همین‌طور بوده و در حال حاضر تحت عنوان بیداری اسلامی به عینیت رسیده است.

محمد الامین خلیفه، رئیس مجلس شورای اسلامی سودان، در خصوص نقش انقلاب اسلامی در تجدید حیات اسلامی می‌گوید:

انقلاب اسلامی ایران پرچمدار تجدید حیات اسلامی در این قرن است. ملت سودان با الهام گرفتن از ملت ایران قیام کرد و بعد از ده سال از انقلاب اسلامی، به ندای دعوت

امام خمینی لیبیک گفت و پرچمدار دفاع از اسلام در قاره ستمدیده آفریقا شد (احمد امیدوار و حسین یکتا: ۲۶۵ و ۲۶۶).

پروفسور محمدحسین هدی، اندیشمند مسلمان مقیم اتریش، در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی در احیای تفکرات دینی می‌گوید:

اگر بنا باشد تاریخی را برای احیای هویت دینی در نظر بگیریم، آن تاریخ، ۱۹۷۹ میلادی است؛ یعنی مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که خیزش عظیمی را برای تفکرات دینی در تمام ادیان به وجود آورده است. آخرین آمارها در مورد احیای تفکر دینی که در سال ۱۹۹۰ صورت پذیرفته، نشان می‌دهد که تقریباً ۷۰ درصد مردم اروپا احساس دینداری می‌کنند. انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان شد (روزنامه کیهان، ۲۵ و ۲۹ بهمن ۱۳۷۶).

این اظهارات حاکی از این واقعیت است که انقلاب اسلامی از عمق و جایگاه ویژه‌ای در عرصه جهانی برخوردار بوده و توانسته تا هویت اسلامی را در دنیای اسلام و هویت معنوی را در کل جهان زنده کند و این خود، کارآمدی انقلاب اسلامی در عرصه جهانی را به تصویر می‌کشد. انقلاب اسلامی ایران، حرکتی نوگرایانه فرهنگی در جهت احیای هویت اسلامی نه تنها در ایران؛ بلکه مطرح ساختن آن در جهان به عنوان مکتب حیات‌بخش و الگوی تمام‌عیار سعادت و رفاه دنیوی و اخروی بود. انقلاب اسلامی بازگشت به اسلام اصیل و اسلام ناب محمدی ﷺ و طرد اسلام آمریکایی زورمداران را در دستور کار خود قرار داد و خواهان زدودن انواع خرافه‌ها و تفسیرهای غلط از اسلام شد. تأکید بر محوریت خدا و اتکا به باری تعالی و شکوفا ساختن استعدادهای انسانی و بهره‌گیری از توانایی‌ها و امکانات فکری و مادی جامعه در انقلاب مورد تأکید واقع شد (پوراحمدی، ۱۳۸۶: ۹۶).

گفتمان هویتی انقلاب اسلامی در تقابل با مظاهر تجدد از جمله ناسیونالیسم بود. واژه ملت و ملت‌گرایی به مفهوم اروپایی آن در فرهنگ ایرانی وجود نداشت و از آنجا که خود را مقدم بر اسلام می‌یافت، در چالش با فرهنگ اسلامی «امت» قرار می‌گرفت. تأکید بر صدور انقلاب، حکایت از این مقوله داشت که گفتمان هویتی انقلاب اسلامی، هویتی فراملی و در تضاد با ملت‌گرایی است و در این گفتمان، هویت اسلامی برتر از هویت ملی و در برگیرنده آن است. صدور انقلاب نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی دارای ماهیتی جهانی است و در عصر جهانی

شدن فرهنگ، در پی ایجاد نظم نوین فرهنگی جهانی (فرهنگ جهانی اسلام) و تفسیر وفاداری ملی و سرزمینی به وفاداری و همبستگی جهانی است (همان: ۹۸). پیروزی انقلاب اسلامی ایران سبب حیات دوباره در علاقه و کنجکاوی نسبت به فرهنگ و تمدن اسلامی شده و برخورد آن را با فرهنگ غرب که در پی غلبه بر جهان است، تشدید کرده است (مولانا، ۱۳۸۱: ۲۰۵-۱۹۷).

امروز در جهان اسلام و به‌ویژه در کشورهای حوزه خلیج فارس به برکت انقلاب اسلامی، فعالیت‌های دینی مجدداً سازمان یافته‌اند و روند احیای اسلامی به عنوان یک حرکت اجتماعی وسیع در مقابله با بحران نوسازی غربی ظهور یافته است. در بسیاری از این کشورها، اکثر جوانان مسلمان به‌ویژه کسانی که عضو طبقات متوسط و پایین می‌باشند، اسلام را به عنوان فرهنگی که آنان را از ورطه‌ی خودبیبگانگی و ناامیدی‌های مفرط نجات می‌دهد و مدل عملی حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در جهان تحت سلطه‌ی غرب ارائه می‌کند، پذیرفته‌اند. در یک کلام، امروزه اسلام همچنان نیروی قدرتمند فرهنگی در جوامع اسلامی و در غرب آسیا است و در دورانی که دولت‌های سکولار با پیروی از اندیشه‌های غربی تلاش دارند، نوسازی را در کشورهای خود پیگیری می‌کنند؛ اما در عمل با ناکامی مواجه شده‌اند، اسلام به تأسیس، سازماندهی و تقویت خود در قلب فرهنگ سیاسی مبادرت ورزیده است (رضائی، ۱۳۷۴).

انقلاب اسلامی ایران توانست ایجاد دولت اسلامی با تکیه بر شریعت و فرهنگ اسلامی که آمادگی پذیرش هرگونه نوآوری در اداره‌ی بهتر جوامع و حاکمیت واقعی مردم در چهارچوب قوانین الهی را دارد، تحقق بخشد. همچنین قدرت لازم برای الگوگیری احیای تفکر اسلامی در اداره‌ی جامعه و در نتیجه ارائه‌ی مدل جایگزین در برابر مدل سیاسی حاکمیت غرب در جوامع اسلامی را ممکن ساخت و این امر، مقاومت فرهنگ اسلامی در برابر روند جهانی‌سازی فرهنگ لیبرال دموکراسی غرب را تقویت کرده است. هویت و فرهنگ انقلاب اسلامی، خودباوری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در انکار عقاید سلطه‌آمیز و فرهنگ لیبرال غرب و در عین حال بهره‌برداری از دستاوردهای ارزشمند بشر در رشد و توسعه‌ی ابعاد گوناگون حیات انسانی و به کارگیری فناوری‌های پیشرفته‌ی صنعتی عینیت بخشیده است و آن را تبلیغ می‌کند. احیای اسلامی مدل جدیدی در زندگی جوامع اسلامی و دیگر جوامع تحت سلطه‌ی فرهنگ غرب را مطرح می‌سازد و این مدل، زمینه‌ساز تداوم مقاومت در برابر هجوم فرهنگ لیبرال غرب است (پوراحمدی: ۱۵۰).

## دیدگاه‌های امامین انقلاب اسلامی

حضرت امام راحل علیه السلام ایجاد پیوند هرچه بیشتر بین شیعه و سنی و تشکیل آن‌ها به‌عنوان یک نیروی واحد و قدرتمند جهانی در برابر قدرت‌ها را از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی (صحیفه نور، ج ۱۷: ۸۲) دانسته و معتقد است انقلاب اسلامی ایران با صدور ارزش‌های خویش، گامی عمده در بیدارسازی و آگاهی مسلمانان جهان، به ارائه چهره واقعی از اسلام اهتمام ورزیده است (همان، ج ۱۷: ۱۲۱). از دیگر ظرفیت‌های جهانی شدن انقلاب اسلامی، می‌توان به مطرح شدن ملت ایران در محاسبات ابرقدرت‌ها (همان، ج ۱۷: ۶۳)، خروج ملت ایران از حالت انزوا به حضور، و معرفی ایران به عنوان مرکز مبارزه علیه استعمار و کانون مبارزه و برهم‌زننده محاسبات ابرقدرت‌ها (همان، ج ۱۷: ۶۳) اشاره کرد که این امر در راستای اتحاد ملل دنیا و تبدیل آن‌ها به امت واحده جهانی به جای دهکده جهانی خواهد بود (همان، ج ۱۳: ۲۲۵).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب می‌فرماید:

برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد؛ اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی، از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از رویگردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آن‌ها و کوشش برای تحقق آن‌ها (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۳).

از دیگر شاخصه‌های انقلاب اسلامی، موضوع «ظرفیت ایجاد مقاومت» و به‌عبارت رساتر، داشتن ویژگی جریان مقاوم‌ساز است که با استناد به آیه ۱۳ سوره مبارکه احزاب به عنوان رمز و فرمول موفقیت و تحت تدبیر حکیمانه صدور انقلاب، به مظلومان جهان معرفی شده است. ضمانت اجرایی این فرمول نیز تجربه واقعی و عینی مقاومت منجر به پیروزی ملت مسلمان و مقاوم ایران است که از سال ۱۳۴۲ تحت زعامت رهبری مقتدر و الهی در مقابل مستکبران جهان و در واقع در مقابل تفکر فریبای لیبرال دموکراسی شروع شد و در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ و با تمسک به ثقلین پیامبر صلی الله علیه و آله به پیروزی رسید. این تجربه ذی‌قیمت به‌عنوان نمونه عینی کارکرد ظرفیت انقلاب

اسلامی در قالب آموزه‌های تشیع در مقابل دیدگان مستضعفان جهان است؛ برای اثبات این که این ظرفیت و پتانسیل معطل ماندهٔ جامعهٔ خودشان را به مرحله عمل برسانند.

ایشان در ابتدای بیانیه با نگاه فرآیندی به انقلاب اسلامی با هدف جهانی شدن و تمدن‌سازی می‌فرمایند:

از میان همهٔ ملت‌های زیرستم، کم‌تر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کم‌تر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانند و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند؛ اما انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلهٔ پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همهٔ وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحلهٔ خودسازی و جامعه‌سازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرآیند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۱).

انقلاب اسلامی با احیاء تفکر اسلامی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های مختلف برجسته ساخته و عنصر هویت اسلامی را به عنوان واقعیتی پذیرفته شده در برابر هویت جهان‌شمول غرب قرار داده است. انقلاب اسلامی با تشدید اسلام‌خواهی از طریق ترویج اسلام سیاسی، بسیاری از مسلمانان جهان را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرار داد. در تداوم انقلاب نیز، ایران با داعیهٔ رهبری جهانی، در صدد اسلامی شدن جهان از طریق وحدت مسلمانان در مبارزهٔ با مستکبران بود (توال، ۱۳۸۰: ۶۰). و در این زمینه تلاش‌های فراوانی برای صدور و گسترش افکار انقلابی در جهان صورت گرفت که این تلاش‌ها، موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی را هم به همراه داشته است. انقلاب اسلامی ایران بی‌شک در افتخار و اعتماد به نفس مسلمانان بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی آن‌ها نقش داشته و یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های قرن بوده است. این مسئله نه تنها بر اساس نتایج بلندمدت که برای خلیج فارس، غرب آسیا و شرق آفریقا و تمام جهان اسلام داشته؛ بلکه بر اساس دستاوردهایی که برای سراسر جهان به ارمغان آورد، در تمام ابعاد یک انقلاب ارزیابی شده است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مهم‌ترین حادثهٔ قرن اخیر از زمان انقلاب بلشویکی در سال ۱۹۱۷ میلادی



می‌باشد؛ هرچند انقلاب اسلامی ایران با احیای اسلام و تفکر اسلام سیاسی، خود را در مقابل غرب و فشارهای شدید نظام بین‌الملل قرار داد؛ اما همین امر، غرب را در شناخت بهتر و جامع‌تر اسلام ترغیب کرده و به تدریج مطالعات اسلامی و اسلام‌شناسی به شدت جای شرق‌شناسی را گرفت و یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری این مطالعات، جنبه‌های مختلف تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در سطوح منطقه‌ای و جهانی بوده است (طاهری، ۱۳۸۶: ۱).

ایشان در مورد این‌که انقلاب اسلامی ایران به عنوان نقطه اتکا و امید مسلمانان و شیعیان جهان و کشورهای اسلامی است، می‌فرمایند:

... امروز جوانان سنی فلسطین مانند جوانان شیعه مخلص لبنان، چشم به نظام جمهوری اسلامی دوخته‌اند. امید را از نگاه به جمهوری اسلامی در دل خود انباشته می‌کنند. استقامت جمهوری اسلامی، آنها را امیدوار می‌کند. آنها از عزت جمهوری اسلامی احساس عزت می‌کنند ... هرچه مواضع یک مسئول، صریح‌تر و روشن‌تر، نمایانگر مواضع جمهوری اسلامی باشد، محبت و ارادت دنیای اسلام به او بیشتر می‌شود (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3387>).

مقام معظم رهبری با اشاره به ظرفیت انعطاف‌پذیری انقلاب اسلامی، آن را به‌عنوان یکی از نقاط عطف انقلاب یاد کرده و با ردّ انفعال و تجدیدنظرپذیری نظام جمهوری اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب بیان داشته‌اند که: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آمادۀ تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست ...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۴).

«هویت» به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌رود؛ چراکه گفتمان هویتی انقلاب اسلامی در تقابل با مظاهر تجدد از جمله ناسیونالیسم بود. واژه ملت و ملت‌گرایی به مفهوم اروپایی آن در فرهنگ ایرانی وجود نداشت و از آنجا که خود را مقدم بر اسلام می‌یافت، در چالش با فرهنگ اسلامی «امت» قرار می‌گرفت.

هویت فراملی انقلاب اسلامی نتیجه تأکید بر تدبیر حکیمانه است که در تضاد با ملت‌گرایی است. در این گفتمان، هویت اسلامی برتر از هویت ملی و در برگیرنده آن است. صدور انقلاب نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی دارای ماهیتی جهانی است و در عصر جهانی شدن فرهنگ، به دنبال ایجاد نظم نوین فرهنگی اسلام به جای نظم نوین دروغین غرب است (همان: ۹۸).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سبب حیات دوباره در علاقه و کنجکاوای نسبت به فرهنگ و تمدن اسلامی گردیده و برخورد آن را با فرهنگ غرب که در پی غلبه بر جهان است، تشدید کرده است (مولانا: ۲۰۵-۱۹۷).

رهبر معظم انقلاب همچنین برای جلوگیری از ایجاد تفرقه و نیز پرهیز از هدر دادن ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل انقلاب اسلامی در بین ملل جهان خصوصاً کشورهای اسلامی و لزوم انسجام آن‌ها، با صدور فتوایی فقهی می‌فرماید:

... اینجانب به برادران شیعه افغانستان و به هرکس دیگری از مردم افغانستان که نصیحت برادرانه و خیرخواهانه اینجانب در دل او اثر خواهد داشت، عرض می‌کنم که هرگونه درگیری گروهی و جنگ داخلی در افغانستان شرعاً حرام و مورد بغض و نفرت روح مطهر رسول الله ﷺ می‌باشد و به برادران شیعه عرض می‌کنم که جنگ میان آحاد شیعه، دل مقدس حضرت بقیة الله ﷺ را به درد می‌آورد و هیچ‌یک از آحاد شیعه اعم از حزب وحدت و غیر آن و مردم غیرحزبی، مطلقاً و به هیچ بهانه، حق ندارند با یکدیگر جنگ کنند و هیچ تعهدی به سایر گروه‌ها و احزاب افغانی مبنی بر ورود در جنگ، معتبر نیست (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2754>).

مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت اقتدار جمهوری اسلامی حاصل از انقلاب اسلامی و داشتن ظرفیت تأثیرگذاری در جهان می‌فرماید:

... من تصورم این است که اگر ما برنامه‌ریزی کنیم، که لابد هم مقدمات و زمینه‌های این برنامه‌ریزی علی‌القاعده در وزارت خارجه وجود دارد، می‌توان فرض کرد که ایران اسلامی را به یک قدرت حقیقی منطقه‌ای و به تدریج به یک قدرت حقیقی بین‌المللی تبدیل کنیم. یعنی این زمینه امروز در کشور ما وجود دارد (مؤسسه پژوهشی - فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹: ۴۰).

ایشان در جای دیگری می‌فرماید:

... یکی دیگر از مبانی اساسی سیاست خارجی ما، تلاش برای استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام است. یکی از راهکارهای استفاده از ظرفیت بالای جهان اسلام این است که ما دنیای اسلام را به اتحاد ممکن اسلامی - همان مقدار که ممکن است - دعوت کنیم (همان، ۱۳۸۱/۵/۲۷: ۴۳).

ایشان با اشاره به رفتار ساختارشکنانه نظام جمهوری اسلامی در برهم زدن نظم نوین جهانی ادعایی لیبرال دموکراسی غرب در ضمن بیانیه گام دوم می‌فرمایند:

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود... (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۲).

ایشان با مقایسه وضعیت امروز جمهوری اسلامی ایران با روزهای آغاز انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم، به قرار گرفتن ایران در جایگاهی متعالی و شایسته در چشم ملت‌های جهان اشاره می‌کند که از گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش عبور کرده است و درصد جهانی کردن انقلاب و جریان مقاومت است و اگر آن روز، مشکل غرب، جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، مشکل امروز آن‌ها، جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایران به نیروهای جریان مقاومت در جهان است و این، یکی از نشانه‌های جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۹).

معظم‌له در یکی دیگر از دیدارهای خودشان با سفیران و کارداران جمهوری اسلامی در خارج از کشور، در خصوص سیاست خارجی و ظرفیت‌ها و الزامات آن می‌فرمایند:

... ما کشور و ملت بزرگی هستیم. ما در نقطه‌ی مهمی از دنیا قرار داریم. ما روی ملت‌های جهان تأثیر داریم... امروز، بودنمان و حرف و راه و شعارمان و پرچمی که به دست می‌گیریم، روی بخش عظیمی در خارج از محدوده‌ی مرزهای خودمان اثر می‌گذارد. ما این طوری هستیم. خیلی‌ها دلشان می‌خواهد با چنین کشوری ارتباط داشته باشند. خیلی‌ها به مصلحتشان است که با چنین کشوری خوب باشند. ارتباط داشتن با برخی یا بسیاری از کشورها، هیچ هم مستلزم این نیست که از شعارهای انقلابمان برگردیم (همان: ۵۳).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در ضمن بیان سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوشبینانه به آینده، در ضمن عنوان عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن می‌فرمایند:

صحنه جهانی امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند. از جمله آن‌ها تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر

سلطه آمریکا و صهیونیسم و گسترش حضور قدرتمندان سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۴۶).

ایشان با بیان مصادیق امروزی در خصوص تأثیر اندیشه‌های حضرت امام و آرمان‌های انقلاب اسلامی و آموزه‌های اسلامی و شیعی در کشورهای دنیا و یادآوری ظرفیت‌های نظام جمهوری اسلامی می‌فرمایند:

... امروز جمهوری اسلامی گردنی برافراشته دارد؛ در حالی که شعارهایی که ۳۰ سال پیش می‌داده، امروز در کشورهایی که ۳۰ سال با ما دشمنی کردند، دارد تکرار می‌شود. این‌ها موفقیت نیست؟ این‌ها پیشرفت نیست؟ من در آن جلسه بیداری اسلامی گفتم که اوایل انقلاب جزو چیزهایی که ما تصور می‌کردیم، این بود که بازتاب حرکت انقلابی ما در کشورهای گوناگون اسلامی و در درجه اول در مصر تحقق پیدا کند. از مصر هیچ صدایی بلند نمی‌شد...؛ اما امروز این مصر، مصر حسنی مبارک، مصر انورالسادات، مصر پناه دهنده به محمد رضا شاه مطرود از همه‌جا حتی از آمریکا، در اختیار مردمی است که شعار الله اکبر می‌دهند، نماز جماعت می‌خوانند، شعار اسلامی می‌دهند، حکومت اسلامی را مطرح می‌کنند. پیشرفت یعنی این، استحکام یعنی این، قدرت یعنی این... امروز در شمال آفریقا، در خاورمیانه (غرب آسیا و شرق آفریقا)، در خلیج فارس، این حرف سبز شده (همان: ۸۸-۸۷).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با عنایت به مطالب گفته شده، نتیجه‌گیری می‌شود؛ اگرچه جهانی شدن یک فرآیند ناخواسته اما هدفمند است و در بستر تفکرات سیاسی لیبرال دموکراسی رشد یافته و در حال درنوردیدن جهان می‌باشد؛ اما انقلاب اسلامی ایران که در بستر آموزه‌های نورانی و مترقی اسلام و با رهبری‌های پیامبرگونه محیی و مجری اسلام ناب محمدی حضرت امام خمینی علیه السلام به پیروزی رسیده است و در ادامه نیز با رهبری‌های حکیمانه مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای، می‌تواند با تکیه بر ظرفیت‌های زیر که برخاسته از همان آموزه‌هاست، با تمسک به تدبیر حکیمانه تشکیل امت واحده جهانی به جای تفکر انحرافی دهکده جهانی، انقلاب اسلامی ایران را در تراز بین‌المللی تکثیر نماید.

(الف) بعد ایدئولوژی با سه نمود بارز «مظلوم‌یاری»، «استکبارستیزی» و «عدالت‌محوری»؛

ب) هویت فراملی و گفتمان هویتی انقلاب اسلامی؛

ج) «ظرفیت ایجاد مقاومت» یعنی داشتن ویژگی جریان مقاوم‌ساز؛

د) خلأ معرفتی موجود در جهان، فرصت مغتنمی به وجود آورده تا در راستای بُعد فناورانه و تکنولوژیک‌محور جهانی شدن، با استفاده از دستاوردهای آن مانند ابزار رسانه و IT، پیام امیدبخش و نجات‌بخش اسلام شیعی (ایران) و اسلام سنی انقلابی (جبهه مقاومت) را به گوش جهانیان رساند، همان‌طور که جمهوری اسلامی ایران با راه‌اندازی شبکه‌های مختلف تلویزیونی مانند العالم، الکوثر، پرس تی‌وی و اسپانیولی و ارسال ماهواره به فضا، گام عملی را در این راستا برداشته است.

با عنایت به ظرفیت‌های یاد شده، انقلاب اسلامی ایران می‌تواند با اقامه ادله و ظرفیت‌های عقلانی انطباق مبنای انقلاب اسلامی ایران با فطرت که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره کرده‌اند، همچنین انعطاف‌پذیری، متعادل بودن دستاوردها و عقلانیت، جو حاکم جهانی را هوشمندانه مدیریت کرده و زمینه جهانی شدن انقلاب اسلامی را فراهم نماید.

## منابع و مأخذ

### کتاب‌ها

- قرآن کریم
- نهج‌البلاغه، سیدرضی، ترجمه علی شیروانی، نامه ۶۲، قم: انتشارات دارالعلم، چاپ چهارم.
- امیدوار، احمد و یکتا، حسین (۱۳۷۹)، امام خمینی علیه‌السلام و انقلاب اسلامی، روایتی جهانی، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، دفتر سیاسی.
- امام خمینی علیه‌السلام، صحیفه نور، جلد ۱۳ و ۱۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- پورا احمدی، حسین (۱۳۸۶)، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرآیند جهانی شدن، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- توال، فرانسوا (۱۳۸۰)، ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه حسن صدوق، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، راهبردهای سیاست خارجی در بیانات رهبر معظم انقلاب، تهران: مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

- دیوید هلد و آنتونی مک گرو (۱۳۸۲)، *جهانی‌شدن و مخالفان آن*، تهران: ققنوس.
- رجالی، فرهنگ (۱۳۸۱)، *نظریه «روابط بین‌الملل در دنیای جهانی شده»*، محمدکاظم سجادیپور، جهانی‌شدن؛ برداشت‌ها و پیامدها، تهران: دفتر مطالعات سیاسی.
- قمی، عباس (۱۳۸۹)، *مفاتیح‌الجنان*، ترجمه الهی‌قمشهای، چاپ هجدهم، قم: انتشارات فاطمه الزهرا علیها السلام.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات*، جلد اول، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۵)، *فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹)، *جهانی‌شدن*، ترجمه اسماعیل مردانی، سیاوش مریدی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی، چاپ اول.
- یان آرت شولت (۱۳۸۲)، *نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی‌شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.

## مجلات:

- آل‌نجف، عبدالکریم، «دولت جهانی در پرتو اندیشه اسلامی»، حکومت اسلامی، سال ۸ شماره ۴، ۱۳۸۲.
- سجادی، سیدعبدالقیوم، «شیعه و جهانی‌شدن»، شیعه‌شناسی، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۸.
- رمضانی، روح‌الله، «آمیختگی تمدن‌ها» مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۷۴.
- عبدالحمید، علی، «جهانی‌شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۵۵ و ۱۵۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۹.
- مولانا، حمید، «نظریه گفتگوی تمدن‌ها»، مجله گفتمان، تابستان ۱۳۸۱.
- نکوئی سامانی، مهدی، «اسلام و جهانی‌شدن، تعامل یا تقابل؟»، معرفت شماره ۱۳۳، دی ۱۳۸۷.
- والرشتاین، امانوئل، «سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی»، مطالعات راهبردی، ص ۱۳.
- ویلیامز، مارک، «بازاندیشی در مفهوم حاکمیت»، اطلاعات سیاسی اقتصادی ۱۲-۱۱، ۱۳۷۹.

## روزنامه

- سجادی، سیدعبدالقیوم، «جهانی‌شدن و عصر ظهور»، روزنامه همشهری، ۸۵/۱/۳۱.

- سجادی، سیدمحمدکاظم، «مخاطرات و فرصت‌های جهانی شدن»، روزنامه ایران، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ خرداد ۱۳۸۱.
- میرباقری، سیدمحمد مهدی، «اثبات برتری عقلانیت تشیع در اداره جامعه»، روزنامه کیهان، ۹۲/۱۱/۱۸.
- روزنامه کیهان، ۲۵ و ۲۹ بهمن ۱۳۷۶.

#### پایان نامه

- طاهری، سیدمهدی، «بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان»، پایان‌نامه، دانشگاه مفید، ۱۳۸۶.

#### نرم افزار

- نرم افزار حدیث ولایت، دیدار با جمعی از مبارزان شیعه لبنان، گروهی از خانواده‌های معظم شهدا و اقشار مختلف مردم تهران.